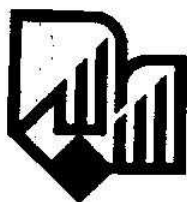


۱۴۳۷۰۷۵



سیمای غرب در شعر معاصر مصر

www.ketab.ir

مؤلف:

طاهره حیدری



نشر دانش

سرشناسه : حیدری، طاهره، ۱۳۶۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : سیمای غرب در شعر معاصر مصر/مؤلف طاهره حیدری.
 مشخصات نشر : تهران : راشدین، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۲۹۴ ص.
 شابک : 978-600-361-382-9
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه .
 موضوع : شعر عربی -- مصر -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
 موضوع : Arabic poetry -- Egypt -- 20th century -- History and criticism
 موضوع : ادبیات عربی -- تأثیر غرب
 موضوع : -- Western Influences Arabic literature
 موضوع : شعر مصری -- تاریخ و نقد
 موضوع : Egyptian poetry -- History and criticism
 رده بندی کنگر : PJA۱۹۲۵۱۳۹۵۹س۹/ح
 رده بندی دیویی : ۷۱۶
 شماره کتابشناسی : ۴۲۶۸۰۱
 ملی :

انتشارات راشدین	■
عنوان کتاب:	■ سیمای غرب در شعر معاصر مصر
مؤلف:	■ طاهره حیدری
نظارت فنی:	■ راهب عارفی
صفحه آرا طراح جلد:	■ افسانه حسن بیگی
چاپ و صحافی:	■ کوروش ۲
نوبت چاپ:	■ اول-۱۳۹۵
شمارگان:	■ ۱۰۰۰
شابک:	■ ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۱-۳۸۲-۹
قیمت:	■ ۱۸۰۰۰۰ ریال
نشانی:	■ میدان انقلاب کارگر جنوبی- بن بست گشتاسب- پلاک ۴ واحد ۶
تلفن / نمابر:	■ ۶۶۴۰۸۲۲۴ ۶۶۱۲۳۴۴۹
پایگاه اینترنتی:	■ www.rashedin.info
پست الکترونیک:	■ Email: rashed1829@yahoo.Com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
۱۷	 فصل اول: غرب در شعر محمود سامی البارودی
۱۷	 زندگی ادبی - سیاسی بارودی
۲۷	 تفاخر به پیشینه‌ی تاریخی
۲۹	 توجه به علم
۳۱	 فقر و حمایت از قشر مستضعف
۵۱	 وطن‌دلی
۵۹	 فصل دوم: رب در شعر احمد شوقی
۵۹	 زندگی ادبی - سیاسی احمد شوقی
۶۳	 تفاخر به پیشینه‌ی تاریخی
۶۴	 تفاخر به تمدن، استان مصر
۷۳	 تفاخر به پیشینه‌ی اسلام مصر
۷۷	 تفاخر به پیشینه‌ی علمی مصر
۸۱	 تفاخر به زبان عربی
۸۴	 توجه به مسائل زنان
۸۴	 آموزش زن
۸۷	 ازدواج زن
۸۸	 حجاب زن
۹۱	 توجه به علم
۹۷	 اشاره به ابعاد فرهنگی غرب
۹۸	 اشاره به شخصیت‌های معاصر غربی
۱۰۳	 توصیف شهرهای غربی
۱۰۶	 ارتباط با حاکمان
۱۰۹	 مبارزه با استعمار
۱۱۱	 ملی‌گرایی مصری
۱۱۸	 ملی‌گرایی عربی
۱۲۳	 فصل سوم: غرب در شعر حافظ ابراهیم
۱۲۳	 زندگی سیاسی - ادبی حافظ ابراهیم
۱۳۱	 ویژگیهای کلی شعر حافظ ابراهیم

۱۳۴	تفاخر به پیشینه ی تاریخی.....
۱۳۸	توجه به مسائل زنان.....
۱۳۸	آموزش زن.....
۱۴۰	حجاب زن.....
۱۴۳	مشارکت اجتماعی زنان.....
۱۴۷	توجه به علم.....
۱۵۴	فقر و حمایت از قشر مستضعف.....
۱۵۷	مبارزه با استعمار.....
۱۷۶	عرب گرایی و ملی گرایی مصری.....
۱۹۳	فصل چهرم: غرب در شعر احمد محرم.....
۱۹۳	زندگی ادبی - سیاسی احمد محرم.....
۱۹۴	ویژگی های کلی شعر احمد محرم.....
۱۹۶	تفاخر به پیشینه ی تاریخی.....
۲۰۵	توجه به مسائل زنان.....
۲۰۸	مبارزه با استبداد.....
۲۱۲	مبارزه با استعمار.....
۲۲۶	حمایت از طرابلس در برابر ایتالیا.....
۲۲۹	انتقاد از ملل شرق.....
۲۴۳	فصل پنجم: غرب در شعر محمد بن عبدالمطلب.....
۲۴۳	زندگی ادبی - سیاسی محمد بن عبدالمطلب.....
۲۴۵	ویژگی های کلی شعر محمد بن عبدالمطلب.....
۲۴۷	تفاخر به پیشینه ی تاریخی.....
۲۴۷	تفاخر به پیشینه ی باستانی مصر.....
۲۵۳	تفاخر به پیشینه ی دینی و مذهبی شرق و مصر.....
۲۵۶	آموزش زنان.....
۲۵۷	حجاب زن.....
۲۸۶	حمایت از انقلاب و انقلابیون.....
۲۸۹	منابع و مراجع.....

مقدمه

روابط غرب و شرق به خصوص در دو قرن اخیر در ادبیات منعکس شده و شاعران در انعکاس این موضوع در شعر بسیار نقش آفرین بوده‌اند. این روابط مفاهیمی چون «هویت»، «قابل ست و مدرنیته»، «جهانی شدن»، «جهان سوم»، «استعمار» - به عنوان زاینده‌ی «سده غربی» - «غربزدگی»، «اسلامگرایی»، «ناسیونالیسم» و بحث «ما» و «دیگر» را از اذهان طبقه‌ی روشنفکر جوامع شرقی ایجاد کرده است به طوری که با مطالعه‌ی اجمال دربارهِ این رویارویی درمی‌یابیم که همه‌ی دانشمندان و روشنفکران شرق و به خصوص در عرب بعد از این رویارویی در صدد پاسخگویی به سوال «من کیستم؟» برآمدند. اما عوض شدن ساختار اجتماعی - سیاسی جوامع، شعرا نیز تغییر کرده و دیگر همچون گذشته برای نسل قبل نبودند. آن‌ها برای خود رسالتی اجتماعی و سیاسی تعریف کرده و خود را در برابر خویشان و در برابر جامعه مسؤول دانستند. مضامین شعر دیگر فقط مدح و اخوانیات و فخریات شخصی نبود چرا که طبقه‌بندی‌های اجتماعی عوض شده و ممدوح به معنای قدیم و یا فخر به معنای قدیم از شعر رخت برپست.

باید دانست در شعر این شاعران فرمانروایی با مضامین است و این مضامین حاصل برخورد واقعی تر با رخداد‌های معاصر است. روی سخن شعر این دوره با توده‌ی مردم است و شاعر به دنبال این است که به مردم نزدیک شود و زبان حال آنها گردد. خیال‌پردازی در این دوره کنار رفته و زمانه زیر معیارهای واقع‌گرا قرار می‌گیرد، رویدادهای واقعی جایی برای رویاپردازی شاعرانه نمی‌گذارد، نیمه‌ی دیگر جامعه یعنی زنان موضعی استوار می‌یابند و با کلیت خود وارد صحنه می‌شوند و توده‌های فترزده‌ی جامعه امکان بروز می‌یابند. بر این اساس می‌توان گفت: این دوره از واقع‌گراترین، اجتنامی‌ترین دوره‌های ادبیات عربی است.

از آنجایی که موضوع عامی که این پنج شاعر به آن پرداخته‌اند لزوماً با یکدیگر تطبیق نمی‌کند شعر هر کدام را در فصلی جداگانه و تحت عنوان دو محور کلی: ۱- مضامین اجتماعی (اجتماعیات) ۲- مضامین سیاسی (سیاسیات) بررسی کرده و در لابلای اشعار به نتایج حاصل اشاره شد.

شرق و غرب واژگانی هستند که پیشینه‌ای طولانی در ادبیات و اندیشه دارند. این دو واژه نخستین بار توسط عرفا و فلاسفه بکار برده شد. بوعلی نخستین فیلسوفی است که این عبارت را در رمان عرفانی خود «حی بن یقظان» به کار برد (صدر ۱۳۸۹: ۱۳۷). بار معنایی واژه‌ی غرب در نزد جغرافی‌دانان در تاریخ تمدن یکسان نیست. غرب معاصر با غرب پیشین بسیار در اختلاف است. در این رساله منظور از غرب، حضور غرب از زمان ورود ناپلئون در کشورهای عربی است. این رساله به موضوع غرب در شعر شاعران نئوکلاسیک مصر و عراق پرداخته است. مصر و عراق به عنوان دو کشوری که به گونه‌ای مهد تمدن اسلامی و عربی

محسوب می‌شوند در مواجهه با غرب بسیار پراثرند. غرب گاه به عنوان استعمار و گاه به عنوان الگوی تمدن و گاه در نگاه افراطی‌ها به عنوان مدینه‌ی فاضله، ادبیات معاصر عرب به‌خصوص ادبیات دو کشور مصر و عراق را مشحون ساخته است. رویکرد اندیشمندان مصر و عراق به غرب با سه رویکرد مختلف در ذهن شاعران نیز منعکس است. گروهی با نادیده گرفتن گذشته‌ی عربی و اسلامی به غرب توجه می‌کنند. دسته‌ای با نگاهی ستیزآمیز در همه‌ی زمینه‌ها، از غرب می‌گریزند و گروه سوم نه به چمداران اعتدالند و بین استعمارگر و تمدن غربی تفکیک قابل می‌شوند. آن‌ها با توجه به تمدن پیشین اسلامی عربی با غرب برخورد می‌کنند.

شاید بتوان گفت در می‌ی دوره‌ی تاریخی مسأله‌ای باندازه‌ی رویارویی با تمدن جدید غرب برای شرق مسأله‌افین و تاثیرگذار نبوده است. تمدنی که وارد شده و همچنان در حال ورود به شرق است و اساس زندگی مادی و معنوی شرق را تغییر داده و قدرت نابود کردن گذشته را دارد. و به عارت دیگر ارتباط شرق را با گذشته قطع می‌کند. این روند بسیار پیچیده است و از گذشت دو قرن همچنان با آن درگیر هستیم. از این رو بررسی گذشته‌ی این رابطه و این برخورد برای ما شرقی‌ها ضروری است. از طرف دیگر مفهوم شرق بدون در نظر گرفتن مفهوم اسلام و کشورهای عربی کامل نیست و از آنجا که هویت اسلامی-عربی-عربی از هویت شرقی محسوب می‌شود، بررسی چگونگی رویارویی هویت عربی با هویت غربی در واقع گامی در راستای بازیابی هویت شرقی خواهد بود. بررسی مضامین سیاسی-اجتماعی شعر عربی در این دوره (دوره رویارویی جدی شرق و غرب در سال ۱۷۹۸م به بعد) در رسیدن به این هدف ضروری می‌نماید.

ادبیات در بطن خود تصویرهایی را از شرق و غرب نمایش می‌دهد که گاهی این تصاویر، طرف دیگر را ستایش و گاهی نکوهش می‌کند.

شرق در ادبیات غرب، گاهی به شکل عالمی کشف نشده جلوه می‌کند که غربی‌ها در آرزوی رسیدن به آن و به دنبال آرامش و آسودگی خاطر در آن هستند به طوری که شماری از نویسندگان و فیلسوفان غربی مانند لامارتین و گوته و نیچه و هرمان هسه و... بویژه در قرن نوزدهم (قرن رمانتیسم) شیفته شرق بودند؛ به عنوان نمونه «دیوان غربی و شرقی» گوته گفتگوی دو فرهنگ شرق و غرب است. وی که از طرفی شاهد رج و مرج‌های انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م) و از طرف دیگر شاهد لشکرکشی‌ها و تصرفات ناپلئون (۱۷۹۹-۱۸۱۵م) بود، با آفرینش این اثر به «بشریت» احترام گذاشت (گرنه ۱۳۷۹ه.ش: ۳۳-۳۲). گوته به این باور رسیده بود که می‌توان از طریق ادبیات از رزهای جغرافیایی و سیاسی گذشت و با روح فرهنگ سایر ملل جهان که در ادبیات تجلی می‌یابد آشنا شد و این آشنایی اولین گام برای تفاهم و دوستی است (انوشیروانی، ۱۳۸۰: ۲۴). هرمان هسه نیز از کسانی است که بخشی از زندگی و مطالعاتش مربوط به فرهنگ شرق زمین بوده و برخی از جدی‌ترین آثار او مانند «سفر به شرق» و «سیدارتا» حاصل سفر به شرق و به ویژه هندی با فرهنگ اروپایی است (نصر اصفهانی ۱۳۸۷ه.ش: ۱۰۰). تاثیر فرهنگ ایرانی بر اشعار جرج گردن بایرون (۱۸۲۴-۱۷۸۸م) از شعرای رمانتیک انگلستان که همواره نسبت به فرهنگ شرق از خود علاقه‌ی خاصی نشان می‌داد نیز چشمگیر است (سمیع، ۱۳۸۶: ۱۸۰). در توضیح یکی از سروده‌های وی با عنوان «عروس ابی

داس» آمده است که لیلی و مجنون در شرق همانند رومیو و ژولیت در ادبیات انگلستان هستند (سمیع، همان: ۱۸۴).

در مقابل این ابراز عشق و علاقه‌ی عده‌ای از غربیان نسبت به شرق، نگرش دیگری هم وجود دارد و آن این است که انسان شرقی در طبیعت ابتدایی زندگی می‌کند و شرق سرزمین پر امکانات با انسان‌های عقب مانده و بد اخلاق است.

ادوارد سعید معتقد است که مستشرقین، شرقی‌ها را با نامناسب‌ترین سخنان به تصویر می‌کشند. وی به نقل از کتاب «خوی و خصلت اعراب»، می‌گوید: «عرب جماعت در مایطی راحت زندگی می‌کند و تغییر را باور ندارد و رستگاری را مگر در ملکوت نمی‌یابد» (سعید، ۱۳۶۱: ۶۹).

دین اسلام نیز از نگاه ادبیات غرب دین درستی نیست. بلکه دینی است که پیروانش راحت زندگی نمی‌کنند و از نوش‌ها لذت نمی‌برند. نوشیدن شراب در مسیحیت سرگرمی و تفریحی است که شرقیان از آن بی‌خبرند. مثلاً شعر «مسیر زندگی»^۱ ویلیام گونگریف مسلمانان را نوکر عربی بت پرستی قلمداد می‌کند (عویجان، ۲۰۰۸م: ۴۷-۴۶).

در شرق نیز موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به غرب وجود داشته و دارد. عده‌ای غرب را با تمامی جنبه‌هایش پذیرفته‌اند، عده‌ای فقط تک‌بخشی غربی را مقبول دانسته و برخی نیز معتقد بوده و هستند که می‌توان غرب را دو پاره کرد و بخش‌های مقبول آن را پذیرفت و قسمت‌های مردود آن را رد کرد.

گروهی که در آرزوی رفتن به غرب یا رسیدن به پیشرفت آن شده‌اند، آنجا را سرزمین آزادی و دموکراسی و صورت کامل تمدن بشری دیده و راه غرب را راه نوع بشر و تمدن غربی را مرحله‌ی کمال آدمی یافته‌اند (داوری اردکانی، همان: ۵۱). نمونه‌ی بارز این اروپا محوری افراطی، کلام ملکم خان است که می‌گوید: «دین اسلام دینی است مخالف اصلاحات و پیروان آن با تعصبات، خرافه‌پرستی و تمایلات به جهت مقید و محدود شده‌اند. چیزی جز بربریت نمی‌تواند نتیجه‌ی این دین باشد» (ملکم، ۱۳۲۳: ۲۲۰).

اقبال لاهوری، شاعر و متفکر مسلمان شبه قاره هند را می‌توان از کسانی دانست که متأثر از افکار سید جمال‌الدین و در مدت اقامت خود در اروپا و تحصیل در آنجا و مشاهده‌ی پیشرفت و توسعه‌ی جوامع غربی به جای اینکه مقهور فرهنگ و تمدن غرب شود به شدت به دنبال راه‌حلی برای برون رفت جوامع مسلمان از عقب‌ماندگی است. اقبال در این خصوص می‌گوید:

شرق را از خود برد تقلید غرب این اقسام را تقلید غرب
قوت مغرب نه از چنگ و رباب نی ز دست دختران بی حجاب
محکمی او را نه از لادینی است نی فروغش از حد لاتینی است
قوت افرنگ از علم و فن است از همین آتش چراغش روشن است
(لاهوری، ۱۳۶۶: ۴۳۰)

اقبال یکی از وجوه تفاوت جهان‌بینی مردم شرق و غرب را در این می‌داند که مشرقیان، عشق و احساس را مهم می‌دانند اما مردم مغرب زمین پیرو عقلند. او معتقد است که آدمی باید از خرد غربی و احساس شرقی توأمان برخوردار گردد.

اقبال کتاب «پیام مشرق» خود را در پاسخ به «دیوان غربی - شرقی» گوته سروده و در این کتاب مولانا را با گوته در باغ ارم هم صحبت کرده و گوته «فاوست» خود را برای او می‌خواند:

نکته دان المَنسی را در ارم صحبتی افتاد با پیر عجم
(لاهوری، همان: ۳۰۸)

موضع غربی عرب نیز در برابر تمدن و فرهنگ غربی اشکال مختلفی چون غرب‌ستیزی، غرب‌گرایی و غرب‌شناسی داشته است. به نظر نصر حامد ابو‌زید: تصویر غرب در حدود قرن نوزدهم میلادی تصویر رقیب برتر تلقی می‌شد و هنوز به سیمای دشمن پیر و تبیل‌نشاه و احساس اختلاف بوجود نیامده بود. بنابراین، رابطه‌های آن دوره در چارچوب سازگاری و آشتی شکل می‌گرفت (لیب، ۱۹۹۹م: ۸۱۵).

طه حسین نیز از جمله متفکران جهان عرب است که درباره‌ی ارتباط عرب و غرب سخن گفته است. وی در کتاب «مستقبل النافه فی مصر» - که همزمان با استقلال نسبی مصر از انگلستان در ۱۹۳۶م. و لغو کامل بریتانیسم در ۱۹۳۷م. - منتشر شد به ترسیم آینده‌ی فرهنگی مصر پس از استقلال پرداخت. کتاب وی با این سؤال آغاز می‌شود که «مصر به شرق تعلق دارد یا به غرب؟» (حسین، ۱۳۷۰: ۵-۶). این کتاب را می‌توان مهم‌ترین سند دلبستگی طه حسین به تمدن غربی دانست. او پس از ذکر نمونه‌های تاریخی نتیجه می‌گیرد که برخورد مصر با تمدن‌های شرقی بین‌النهرین از حدود عراق فراتر نرفته و تنها ارتباط مؤثر مصر با تمدن خاور نزدیک

و یونان صورت گرفته است که به حوزه‌ی تمدن مدیترانه‌ای تعلق دارند) عنایت، ۱۳۹۱: ۷۰-۵۹). بدین ترتیب فرهنگ مصری، اساساً غربی است نه شرقی.

شعرای عرب نیز همچون نویسندگان و متفکران به موضوع غرب پرداخته‌اند. از احمد شوقی امیرالشعرای مصر گرفته تا زهاوی عراق و مطران، شاعرالقطربین، به گونه‌ای در مواجهه با غرب و رفتار غربی‌ها اظهار نظر کرده‌اند. طبعاً طیف این برخوردها در یک سطح نیست. از نگاه‌های افراطی گرفته تا موضع‌گیری‌های تفریطی. دیوان این شعرا ثبت شده است. تبیین نگاه‌های شاعران عصر نهضت در دو کشور مصر و عراق در غنی‌سازی تحلیل این حوزه بسیار موثر خواهد بود.

مصر یکی از کثرت‌نازبستان‌ها در دنیاست که قدمت آن به چهار هزار سال می‌رسد. اهرام مصر در دوران فرعون‌نمایی فراعنه بر مصر و بین سالهای ۲۱۰۰ تا ۲۷۷۸ ق.م. بنا شدند. سال ۴۰۰ سال است که اعراب مصر را فتح کردند. صلاح‌الدین ایوبی در سال ۱۱۶۴ م. مصر را تصرف کرد و در سال ۱۲۵۰ م. مالیک قدرت را به دست گرفتند. از آغاز قرن شانزدهم میلادی کشورهای عربی و مصر تحت سلطه امپراطوری عثمانی قرار گرفتند و مالیک مصر ضعیف شدند. در سال ۱۷۹۸ م. با حمله ناپلئون به مصر تغییری اساسی در مصر و جهان عرب ایجاد شد. این حمله فارغ از همه‌ی ابعاد منفی آن، ابعاد مثبتی هم برای مردم مصر و هم برای جهان عرب به همراه داشت و مردم را با دنیای جدیدی به نام غرب آشنا کرد و از خواب چندین ساله بیدار شدند. این موقعیت استراتژیک عثمانی بود که فرانسویان را به طمع انداخته بود تا به مصر حمله کنند آنها به دنبال تسلط بر دریای مدیترانه بوده و در صدد غافلگیر کردن بریتانیا بودند. ناپلئون که می‌خواست راحت‌تر مصر

را فتح کند نامه‌ای تنظیم کرد که بخشی از آن چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم، لا إله إلا الله، محمد رسول الله، به نام ملت فرانسه که هدفش بر اساس آزادی و برابری است، سردار بزرگ ارتش فرانسه، به مردم مصر یادآور می‌شود طی سالیان متمادی که بیک‌های «مملوک» بر کشورها حکومت می‌کنند، ملت فرانسه را تحقیر کرده‌اند و بزرگانان ما را مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند، اکنون دوران انتقام فرا رسیده است. در مصر روزگاری شهرهای بزرگ، جاده‌های وسیع، قنوات آباد و تجارت وسیع وجود داشت، همه‌ی اینها بوسیله‌ی مملوک‌های خون آشام و ستمگر از میان رفته است. خون‌بخت کسانی که در کنار ما قرار گیرند... وای به حال آنها که به خاطر مملوک‌ها در دواغ از آنان اسلحه بردارند، اینان بی‌شک به درک واصل خواهند شد». فرانسویان در سال ۱۷۹۸م. بدون اینکه مقاومتی در مقابل آنها صورت گیرد وارد مصر شدند و مملوک‌ها را از آنها رگ‌ر شدند و شکست خوردند ولی انگلیس رقیب فرانسه که مصر را در تصرف فرانسه می‌دید در سال ۱۷۹۸م. ناوگان خود را وارد خلیج "ابوقیر" کرد و نیروهای فرانسوی را شکست داد و سلطان سلیم در این بحبوحه از انگلیس جانبداری کرد. فرانسویان تنها با همکاری عثمانی‌ها فرانسه را شکست دهند و در سال ۱۸۰۱م. استعمار انگلیس جای استعمار فرانسه را گرفت و فرانسویان تنها سه سال دوام آوردند. بعد از این عثمانی‌ها با انگلیسی‌ها درگیر شدند و در نهایت به موجب پیمان بیست و هفتم مارس ۱۸۰۲م. انگلستان از خاک مصر عزیمت کردند.

بعد از این محمدعلی پاشا که فرماندهی نیروهای آلبانی بود توانست خود را در مصر مطرح کرده و مدافع حقوق مردم معرفی کند ولی حکومت عثمانی از به قدرت رسیدن او بیمناک بودند. در نهایت سلطان سلیم مجبور شد محمدعلی را به عنوان

فرمانروای مصر انتخاب کند. در این میان فرانسه و انگلیس باری دیگر برای بدست آوردن مصر وارد معرکه شدند و در روز هفدهم مارس ۱۸۰۷م. نیروهای انگلیسی وارد اسکندریه شدند اما محمدعلی آنها را شکست داد و از این پس به عنوان قهرمان ملی مورد استقبال قرار گرفت و اصلاحات - از جمله اصلاحات نظامی، کشاورزی و صنعتی - را در کشور مصر شروع کرد. محمدعلی به دنبال استقلال مصر بود و بی دولت عثمانی با حمایت انگلیس این اجازه را نمی داد.

روز یازدهم سپتامبر ۱۸۴۰م. نیروهای بریتانیا و عثمانی وارد شمال بیروت شدند و نیروهای محمد علی را شکست دادند و محمدعلی در بیست و هفتم نوامبر ۱۸۴۰م. مجبور شد عهدنامه‌ای را بپذیرد و مصر مستعمره‌ی بریتانیا گردید. بعد از این هر روز تسلط بیگانگان بر امور کشور بیشتر می شد. آنها به اقشار ضعیف جامعه ستم روا می داشتند و مالیات سنگین را بر آنها تحمیل می کردند. از این رو مردم زبان به اعتراض گشودند. اینجا بود که عباسی پاشا در اعتراض به این فشارها قیام کرد. شیخ محمد عبده و جمال الدین اسدآبادی نیز رهبر قدرتمند برای مردم در مبارزه با استعمار بودند. عرابی پاشا خود را پیرو جمال الدین اسدآبادی می دانست. در این زمان خدیو اسماعیل زمام امور را در دست داشت. مهمترین اقدام او کنارگذاشتن کابینه اروپائی بود. انگلیس و فرانسه از به قدری رنج بردن عرابی پاشا بسیار نگران شده و خواستار برکناری او بودند. به دلیل عدم تسلیم عرابی، انگلیس به شیوه نظامی متوسل شد و به جنگ عرابی رفت. در سال ۱۸۸۲م. دفاع مردم در برابر غرب شکست خورد و در همان سال عرابی و یارانش محکوم به اعدام شدند اما دادگاه با تخفیف در حکم عرابی وی را تبعید کرد. بدین ترتیب سال ۱۸۸۳م. انگلیس فرمانروای مطلق مصر شد. انگلیس تا سال ۱۹۰۴م. اشغال گری اش را در مصر ادامه داد. در این زمان توفیق حاکم مصر بود. وی در سال ۱۸۹۲م. درگذشت و

پسرش عباس دوم (حلمی) جانشین او شد. تا سال ۱۹۱۴م. عباس در ظاهر حاکم مصر بود ولی در حقیقت این لرد کرومر بود که مصر را اداره می‌کرد. کواکبی و مصطفی کامل از دیگر مبارزانی بودند که در جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ی مصر نقش مهمی داشتند.

روز سیزدهم ژوئن ۱۹۰۶م. حادثه‌ی تلخ دانشوای پیش آمد که اگر چه بسیار فجیع بود ولی فواید زیادی برای مصر و استقلال آن داشت یکی از کارهای مهمی که در این دور صورت گرفت پایه‌گذاری "حزب الوطنی" توسط مصطفی کامل بود. بالاخره روز ۱۱ مارس ۱۹۲۲م. مصر استقلال خود را اعلام کرد و سلطان احمد فؤاد زمام امور را به دست گرفت. این مهمترین حرکت در برابر استعمار بود هرچند استقلال مصر با شرایطی از جانب انگلیس محدود شد. با توجه به این تاریخچه اینک می‌توان چگونگی برور و ظهور ضامین مربوط به مواجهه با غرب را دقیق‌تر بررسی کرد. برای نشان دادن پژوهش حاضر در غرب در جوامع عربی در شعر شعرای عربی، می‌توان شعرها را از تاریخ اولین برخورد تاکنون مورد بررسی قرار داد چرا که این حضور همچنان به انحای مختلف ادامه دارد. با بازهی زمانی مورد بررسی ما اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است و دلیل انتخاب این دوره برای مطالعه این است که اولین روابط جدی جهان عرب با غرب در این دوره و از حمله‌ی ناپلئون به بعد صورت گرفته است و بررسی اولین کنش و واکنش‌ها برای تعیین نوع ارتباط در آینده بسیار اهمیت دارد. بنابراین از میان کشورهای جهان عرب نیز مصر و ادبیات و شعر آن، برای این بررسی‌ها در اولویت قرار دارد. از این رو پنج تن از شعرای این کشور (بارودی، حافظ ابراهیم، شوقی، احمد محرم، عبدالمطلب) با گرایشات مختلف سیاسی و نژادها و شخصیت‌های مختلف و از طبقات مختلف اجتماعی انتخاب شدند.